

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژام پی یر دوبوا - Jean-Pierre Dubois

برگردان از: حمید محوی

۲۱ فبروری ۲۰۱۳

ناسیونالیسم: بیماری روانی؟

مضمون: جنگ ایالات متحده – ناتو – تاریخ، اجتماعی و فرهنگی



مبارز ضد استعماری روبرت لوزون به سال ۱۹۲۲ می نویسد: «بین ناسیونالیسم نزد ملتی که ناسیونالیسم آن عبارت است از جایز دانستن ستم به ملتی دیگر، و ناسیونالیسم نزد ملتی که تحت ستم به سر می برد و ناسیونالیسم آن عبارت است از بسیج عمومی برای دفع ملت ستمگر، رابطه معادلی وجود ندارد.» (۱)

اخیراً، ماکسیم رودنسون از این که «از ناسیونالیستها وقتی که از حقوق خلق های تحت ستم و استثمار دفاع کرده است» اظهار خشنودی و رضایت خاطر کرده است، با این وجود مشخصاً اضافه می کند ناسیونالیسم وقتی از مرحله دفاع عبور می کند به راحتی به «نارسیسیم جمعی»، و به «تحقیر کاملاً مشمئز کننده دیگران» تبدیل می شود. (۲)

او اضافه می کند: «ناسیونالیسم یک بیماری روانی است، شاید در برخی موارد ضروری باشد، ولی باید فوراً از آن فاصله گرفت.»

در اروپا، ناسیونالیسم با تشکل دولت-ملت ها به دنیا آمد و طی قرن نوزدهم بورژوازی را در تصرف قدرت همراهی کرد. ناسیونالیسم نمادینه ترین بیان خود را وقتی به منصفه ظهور رساند که مردم قاره اروپا برای آزادی سازی خود از ستم سیاسی و فرهنگی امپراتوری های سلطنتی اتریش، هانگری، روسیه و عثمانی به مبارزه برخاستند. انقلاب ۱۸۴۸، که به نام «بهار خلق ها» مشهور شد شاهد برجستگی آن است. بر این اساس، ناسیونالیسم این دوران را می توانیم پیشگام تلقی کنیم.

ولی از سالهای ۱۹۷۰، همه چیز تغییر کرد. همان گونه که اریک هابسباون تاریخشناس یادآوری کرده است، مفاهیم و مضامین ناسیونالیسم، میهن، پرچم دچار «گرایش به راست» شدند.

این دورانی است که پیشرفته ترین نظام سرمایه داری در اروپا باید منابع طبیعی نوینی را تصاحب کند و برای گسترش سرمایه هایش مناطق جغرافیائی آزادی پیدا کند. برای توجیه امپریالیسم استعماری که به عنوان راهکار می خواهند به کار ببندند، طبقات حاکم ناسیونالیسم و میهن پرستی را بسیج کرده و آن را با مفاهیم خصمانه و حتی نژاد پرستانه آغشته می سازند.

تمام نهادهای فرهنگی (نشریات، انتشارات، مدارس، دانشگاه ها، و غیره) به خدمت گرفته شدند تا ایدئولوژی را تحمیل کنند که جامعه بشری را به نژادهای عالی و پست، به انسانهای سفید و رنگی تقسیم کند... همان گونه که اریک هابسباون می گوید، وقتی موضوع به کشورهای امپریالیستی مرتبط می شود «پیوندهای بین نژاد پرستی و ناسیونالیسم آشکار است.»

در فرانسه، این ناسیونالیسم خشونت بار و سلطه جو با استعمارزدائی که در سالهای ۱۹۶۰ رویداد، خاتمه نیافت. زیرا هر بار که دولت در جمهوری بورژوازی ما تصمیم می گیرد به جنگ ماجرا جویانه تازه ای علیه مردم افریقا یا آسیا دست بزند، همان گونه که اخیرا در لیبیا، ساحل عاج یا در کشور مالی دیدیم، این مضامین نیز "به روز" می شود. بر اساس سناریوی کاملا تدارک دیده شده، تبلیغات برای فعال ساختن این انحراف روانی بسیج می شوند و از عملیات نظامی با شکوه و جلال خاصی یاد کرده و احساسات شنیع وحدت ملی را تشویق می کنند.



[۱] Robert Louzon, *La Honte*. Article paru dans le Bulletin communiste : organe du Comité de la Troisième Internationale, Paris.

[۲] Maxime Rodinson, *Peuple juif ou problème juif*, Ed. La Découverte, 1981. Maxime Rodinson était directeur d'études à l'Ecole pratique des hautes études

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۹ فیروری ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۷ فیروری ۲۰۱۳

منطقه : اروپا

<http://www.mondialisation.ca/le-nationalisme-une-maladie-mentale/5323252>

<http://lepetitblanquiste.hautetfort.com>